

# بمب عروسکی خشتی نقد

نقدی بر بمب عروسکی

(نقد کتاب دریاپری، کاکل زری نوشته گلی ترقی در کتاب ماه کودک و نوجوان)



کودک یا بزرگسال، مسئله این است

منتقد در نوشتن این نقد یک پیش فرض اساسی را بدیهی انگاشته و سپس با برداشتی غلط از داستان بنایی بر این اساس غلط برپا داشته است. پیش فرض اساسی منتقد این است که کتاب «دریا پری کاکل زری» برای کودکان است. نویسنده قبل از هر سخنی باید به اثبات این ادعا می‌پرداخت که ادعایی باطل است و حتی در نقد نیز با تردید بیان شده است. کتابهای کودکان در ایران معمولاً با مشخصه‌های زیر شناخته می‌شوند:

۱. رنگ: معمولاً کتابهای کودکان در ایران چهاررنگند.
۲. تعداد صفحات: معمولاً کتابهایی که برای کودکان منتشر می‌شود کمتر از ۳۲ صفحه دارند و اغلب ۱۲ یا ۱۶ صفحه‌ای می‌باشند.
۳. قطع: قطع کتابهای کودکان در ایران معمولاً خشتی و رحلی است و به ندرت قطع‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۴. ذکر گروه سنی: معمولاً کتابهای کودکان و نوجوانان در ایران با عبارت کودک و نوجوان و یا ذکر گروه سنی پشت یا روی جلد کتاب معرفی می‌شوند.

۵. عنوان ناشر: معمولاً ناشران کتابهای کودک و نوجوان تعداد مشخصی‌اند و گاهی عنوان ناشر نیز به شناسایی کتاب کودک کمک می‌کند.

البته محتوا و زبان و عواملی از این دست نیز معیارهای مهمی برای تشخیص کتاب کودک به شمار می‌روند که به کار بردن آنها نیاز به مطالعه کتاب دارد.

حال با توجه به ویژگی‌های فوق نگاهی به کتاب نقد شده بیاندازیم؛ این کتاب به صورت تک رنگ (متن مشکی و روی جلد دو رنگ) در ۹۲ صفحه با قطع رقیمی، بدون ذکر عبارتی که بیانگر کودک و نوجوان بودن مخاطبان کتاب باشد توسط ناشری که کتاب کودک و نوجوان منتشر نمی‌کند، چاپ شده است.

زبان این کتاب متأثر از ادبیات عامیانه است و از این رو اندک شابهتی به زبان داستانهای منظوم کودکان دارد که البته دایره واژگانی بکار رفته و فضاهای خلق شده این شابهت اندک را کاملاً تحت شمع قرار داده و به اثری برای بزرگسالان تبدیل می‌کند.

به لحاظ موضوع نیز این کتاب مناسب گروه سنی کودکان و برای آنان نیست. به همین دلایل نیز ناشر محترم مجوز انتشار این کتاب را از واحد کودک و نوجوان اداره کتاب تقاضا نکرده و به عنوان کتاب بزرگسال برای آن مجوز صادر شده است.

برقرار کرده است. پس از قطع این ارتباط به دریا برمی‌گردد و اگر چه ابتدا دل‌تنگ‌زمین است و نیمه زمینی‌اش در تقابل با نیمه دریایی‌اش برنده است اما به یک باره. پری مته یخورشید/ به مرتبه درخشید/ به چشمه توی سینه‌اش/ اشست غبار کینه‌اش/.../ گفت ای خدا کور بودم/ از همه کس دور بودم/ به دختر و لنگار/ تو لاک خود گرفتار/ افتاده توی مرداب/ مرداب خاموش خواب/ به خبر از دیگری/ همش می‌گفتم «پری»/ دریا به این زلالی/ این همه چیز عالی/ پیش چشم تار بود/ تو دیدم خار بود...

او وقتی تغییر می‌یابد و با نگاهی دیگر دریا رامی‌بیند، درمی‌یابد که تمام موجودات دریا می‌توانند با او دوست باشند و هر یک از آنها می‌تواند یک کاکل زری باشد: «ای همه کاکل زری/ رفیق و یار پری» و مثل روز روشن است که در اینجا مثل کاکل زری بودن از نظر جنسیت و مسائل جنسی طرح نشده است، زیرا حیوانات نام برده شده در این داستان شناسنامه جنسی ندارند و معلوم نیست که جنسیت مذکر داشته باشند، بلکه ارتباط عاطفی مدنظر است.

### برجسته‌سازی مسائل جنسی

منتقد پس از ذکر مطالبی فاضلان و بدیهی بااستناد به قوانین فرانسه! به ذکر مصادیق برای اثبات «بمب عروسکی» بودن کتاب می‌پردازد و به زعم خود این بمب را خشتی می‌کند. برخی از آنها را بررسی می‌کنیم.

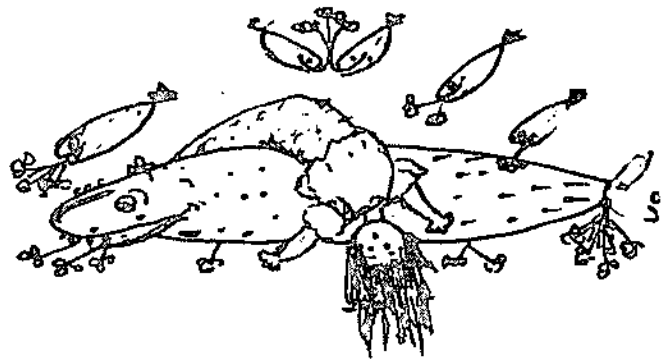
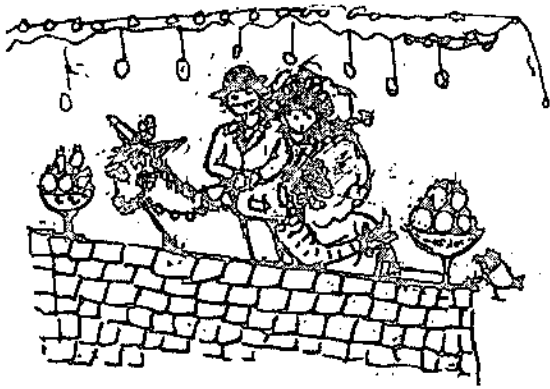
او این داستان را در مخالفت با چهارچوبهای محدودکننده سنتی برای دختران می‌داند که آنها را از ارتباط جنسی منع می‌کند. بنظر او پری این چهارچوبها را می‌شکند و برای اثبات این ادعا از کتاب نمونه‌هایی می‌آورد: پاشم برم به بندر/ به کافه غضنفر/ به سینما، عروسکی/ کلاس رقص، خصوصی/... یک روز دیگه کلافه/ به عشق رقص و کافه/ لباس پوشید مثل باد/ هول هولکی راه افتاد/.

تا اینجا همه مثالهایی که آورده است درست اما از یک نکته اصلی غفلت شده است و آن این که در یک داستان، آنچه از این منظر اهمیت دارد، غایت و هدف داستان است و در این داستان اتفاقاً این نمونه‌ها از نمونه‌هایی است که مورد نقد واقع شده و پری این رفتار خود را، تغییر می‌دهد و درمی‌یابد که همه زیبایی‌ها در دریاست نه در کافه غضنفر و کلاس رقص و جای تعجب دارد که چگونه یک مدعی اخلاقی مناری به این راحتی واقعیت را دگرگون جلوه می‌دهد.

### اشتباه اصلی را در برداشت غلط بچوبید

اگر چه وقتی این کتاب، کتاب کودک نباشد، بسیاری از دغدغه‌ها و نگرانی‌های منتقد رفع می‌شود؛ اما با این حال بد نیست ادعاهای او را مرور کنیم و با ترازویی دیگر بسنجیم. «قهرمان داستان یک پری دریایی است. این دختر که از نظر جنسی ترکیبی از انسان و ماهی است، شخصیتی کاملاً انسانی دارد. او از یکتوختی زندگی در دریا خسته شده است و برای بهره‌بردن از لذت‌های زندگی خاکی دریا بیرون می‌آید و با پسر نوجوانی دوست می‌شود. پسر از او سوءاستفاده می‌کند و پری غمگین و افسرده به دریا بازمی‌گردد. پس از چندی پری غم‌هایش را فراموش می‌کند و از تجربه‌های شیرینی که داشته با افتخار یاد می‌کند و آن را نشانه‌ای از رشد و کمال خود می‌داند.»

آنچه خوانندید برداشت منتقد از این کتاب است، در حالی که این برداشت با واقعیت فاصلهای عجیب دارد. در این داستان پری دریایی موجودی است دوگانه، نیمه انسان و نیمه ماهی و هر نیمه نشانه‌ای از دنیایی متفاوت و شاید بتوان گفت؛ دنیای عقل و دنیای دل است و آنچه در داستان اتفاق می‌افتد تقابل این دو نیمه است و اتفاقاً برخلاف برداشت ساده‌انگاران - اگر نگوییم مغرضانه - منتقد، پری به دریا برمی‌گردد و همزیبایی‌ها را در دریا می‌بیند، او که ارتباطی عاطفی - که دوست منتقد ما بنا بر ذهنیات خود آن را ارتباط جنسی می‌داند - با یک موجود زمینی



نویسنده در بخش دیگری از نقدش می‌گوید: «سپس به خاطر این تجربه افتخارآمیز جشن شادی برپا می‌کنند و از دوستان خود... دعوت می‌کند. در این مهمانی شاپریا قر می‌داند / موهاشون و فر می‌داند /... / پشتک و وارو می‌زدن /... / چشاش خمار، سرش فکل لاس به کمر با اختاپوس / رقص می‌کرد مثل عروس / نهنگ پیر با ساکسیفون / جاز می‌خووند / تومیکروفون /... / چشم حسود بترکه کور کور»

حال این بخش از شعر را بدون حذف‌های آقای منتقد بخوانید:

تو دریا غوغا شده بود  
پنجره‌ها وا شده بود  
شاپریا قر می‌داند  
موهاشون و فر می‌داند  
ستاره‌های دریایی  
با روسری، با دمپایی  
دریا رو جارو می‌زدن  
پشتک و وارو می‌زدن  
کوسه مٹ به دسته گل  
چشاش خمار، سرش فکل  
دس به کمر با اختاپوس  
رقص می‌کرد مثل عروس  
نهنگ پیر با ساکسیفون  
جاز می‌خووند تو میکروفون  
قورباغه‌ها پیر و جوون  
رقص کنون سینه زنون  
داد می‌زدن قور قور  
چشم حسود بترکه کور کور

نویسنده محترم در پایان بخش ۱ مقاله‌اش که به‌ذکر مسائل جنسی و تربیتی کتاب اختصاص دارد باتوسل جستن با شیوه‌هایی چون برجسته کردن یکی دوسطر در چند صفحه، مصادره به مطلوب کردن و تغییر دادن معنا یا برجسته‌سازی بوسیله حذف چند سطر و یا برداشته‌های غلط ادعا می‌کند: «فکر می‌کنم توضیح‌بیش‌تری نیاز نباشد تا قبول کنیم که این داستان به تشریح موشکافانه رابطه جنسی یک دختر و پسر می‌پردازد، از آن دفاع می‌کند. مزاحمان آنها را تقیح می‌کند. حضور در مکان‌هایی مثل کافه، کلاس رقص خصوصی، مجالس مهمانی رقص و پایکوبی را تشویق می‌کند. دخترانی را که تجربه جنسی ندارند تحقیر می‌کند. خطرات رابطه نامشروع را ناچیز و بی‌ارزش جلوه می‌دهد. پدران و مادران را به ایجاد زمینه تجربه جنسی برای کودکان و سرزنش نکردن آنان تشویق می‌کند...» بله همه این کارهایی را که خواندید همین یک کتاب می‌کند. با مطالعه تمام کتاب درمی‌یابیم که آنچه ادعا شده فاقد استناد بوده و نویسنده با بکار بردن شگردهایی غیراخلاقی و قدیمی سعی کرده است چنین ادعاهایی را به مخاطب بیاوراند و اتفاقاً تا حدودی موفق هم شده است. چون بسیاری از افراد با خواندن این

در دریا بازمی‌یابد نه خشکی و کنار کاکل زری. درباره اشاره‌های بعدی هم بد نیست قسمتهای دیگری از همان بخش‌ها را مرور کنیم: (دریا خطاب به پری می‌گوید): «زلغلی مال خاکه / درخت بید و تاکه / مال ننه هاجره / دخترای بندره / واساده روز زمینه / فکر نماز و دینه / اما نگاه خوشی / حرفای پای جوش / یادتن تمیزش / دم پختک لذیذش / بازی و جیغ و ویغش / اصفای بی درینش / قلب بی‌شیله پیلهاش / اون بوی شنیلهاش / می‌شه چراغ راحت / تو تاریکی پناهت»

اشاره منتقد به این که پری تن تمیز کاکل زری را فراموش نمی‌کند به قصد الغای [القای] جنسی بودن قضیه صورت گرفته است و همچنین است اشاره به دریده شدن دمب طلا و یک نخود و یک ذره شدن درد دل. با هم این بخش از شعر را می‌خوانیم: زمان گذشت آهسته / پشت درای بسته /... / پری سرش توی لاک / صبح تا غروب فکر خاک / اما خراش روحش / نالمو آه و او هوش /... / با گردش روز و شب / مثل حرارت تب /... / بنون نوز و کلک / فرونشست کم کمک / درد دلش خود به خود /

یه ذره شد یه نخود / ضمن این که «چش چرونی» هم به پری برنمی‌گردد، توجه کنید: بالاخره بهار اومد / کمیوزه باخیار اومد / رفت و اومد، برویا / بزن بکوب ماهیا / سلام علیک مبارک / دم شماسه چارکا / قاشق زنی پشت در / اچش چرونی تو سر / ابر / بخور بخور سیزده به در / عدس یلو، روش شکر...

خواندن این قسمت هم خالی از لطف نیست: «... / ایه اتفاق محال! / معجزه بود یا خیال! / صورت کاکل زری / با خط و خال پری / تو روشنی. سیهایی / انگار بگو یه ماهی / چشاش چشای کوسه / روی لباس یه بوسه / دریا پر از نشونهاش / هر ذره‌ای نمونهاش / مثل خیال، مثل خواب / موج می‌زد توی آب / صداس می‌اومد یواش / از مزه نفسهاش



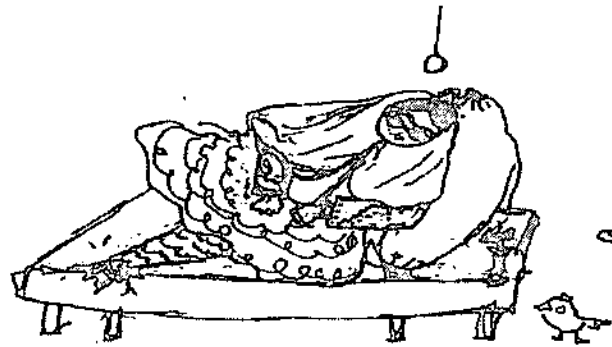
به این عبارت از منتقد محترم دقت کنید: «او (پری دریایی) در خشکی حیران و سرگردان است تا این که بایک پسر برخورد می‌کند (یه دستی خورد به شونهاش / تلنگری به گونهاش / دید یه پسر راسی /... / باچشم هاج و واجش / خیره شده به تاجش او که بر خلاف عاشقان قصه‌های شرقی حوصله بچمبازی و سوز و گناز فریادهای طولانی را ندارد، خیلی زود به سراغ اصل مطلب می‌رود: «تو آدمی یا ماهی؟ / نجیب و سر به راهی؟» او که عجله دارد: اسمت چیه سلیطه / بی‌چار و شلیته / و چند دقیقه بعد بدون تعارف می‌گوید: «بشین یه کم رو زانوم / دوشیزمای یا خانوم؟»

حال که این عبارت را خواندید، بدون هیچ توضیحی به اصل کتاب بدون حذف برخی سطور پری می‌گردیم تا فاصله بین مطلوب و منتقد و آن چه را در کتاب آمده بسنجیم: [صفحات ۲۳ تا ۲۰ کتاب ضمیمه است]

این توضیح هم ضروری است که همه این اتفاقات در موقعی رخ داده است که در داستان، پری بر خلاف پندبزرگ‌ترها عمل کرده و بعنتر و در ادامه داستان رفتار و نگاهش تغییر کرده است. یا این بخش از گفته‌های منتقد محترم را نگاه کنید: «اصرارهای بعدی پری و جلوه‌فروشی‌هایش همی‌نتیجه است: تم بلور چینه / چشم دو تا نگینه /... / داشتن من یه حسنه / بنار من و لای نون / بخور من و نوش جون / منتقد گرانقدر چنان مقدمه‌چینی کرده است که خواننده نقد فکر کند این خوردن از آن خوردنهاست! درحالی که چیز دیگری است. فقط کافی است جای نقطه چین را پر کنید و بخوانید: «دم طلای نابه / قیمت صد تا گابه / بنار من و رو طاقچه / یه گوشه توی باغچه / یه وقت که سختی اومد / بلا و قحطی اومد / ببر من و به بازار / بفروش هزار تا نو زار / وقتی شدی گرسنه / داشتن من یه حسنه»

در بخش دیگری منتقد اخلاق‌گرا می‌نویسد: ابتدا پری از کاری که کرده پشیمان می‌شود، اما زود تغییر عقیده می‌دهد. «گفت ای خنا خر شدم / حسابی منتر شدم / کاکل زری کلک بود /... / خر کچی پشمالو / خنگ و بی‌ریخت و هالو / دیدی چه طور ولم کرد؟ / لگد زد و لهم کرد» اما هر چه بود «یاد تن تمیزش» از خاطر پری نمی‌رفت. برای پری چندان مهم نبود که «دمب طلاش دریده» شده بود و به مرور «درد دلش خود به خود» یه ذره شده یه نخود» و دوباره شروع به کارهای قبل از جمله «چش چرونی تو سر» نمود. او خیال کاکل زری را پیش خود تصور کرد که هنوز «روی لباس یه بوسه» دارد و هنوز «مزه نفسهاش» به گوش می‌رسد.

دقت در این نوشته و مقایسه آن با اصل کتاب بسیار جالب است. بخشی را که به عنوان تغییر عقیده پری آورده شده به محض ورود به دریا اتفاق می‌افتد و اتفاقاً دوام چندانی ندارد پری در پایان داستان، سفارش به زمین را فقط از منظر یک تجربه مثبت ارزیابی می‌کند و با نگاهی دوباره به دریا زیبایی‌هایی را می‌بیند که تاکنون ندیده بود، لذا دل به دریا می‌سپارد و شادی را



نقد نگران شدند، که با خواندن کتاب این نگرانی رفع شد و نگرانی دیگری جای آن را گرفت که به راستی چه هدفی برخی را وامی دارد تا لجن مال کردن دیگران را به هر قیمتی که شده سرلوحه کار خود قرار دهند چه کسی می تواند تهمت را که به آن قرآن پژوه فرهیخته ای که مدیر مسئول این انتشارات، وارد شده است جبران کند؟

این کتاب به دین هم رحم نکرده!

بخش دیگر این مقاله به «رویکرد منفی (کتاب) بعدین پرداخته است و در همان آغاز حکم صادر کرده است که: «به طور کلی داستان خاتم ترقی را می توان نه تنها داستانی غیردینی بلکه ضد دین نام گذاشت.»

حال دلایل صدور این حکم را از زبان منتقد می خوانیم:

۱. داستان با عبارت معروف «یکی بود یکی نبود» آغاز می شود اما از «غیر از خدا هیچکس نبود» خبری نیست.

۲. کلیه شخصیت های منفی داستان افرادی مذهبی معرفی می شوند و کلیه رفتارهای بد ایشان به مذهب نسبت داده می شود.

۳. کاکل زری همان پسری که با دختر رابطه جنسی ابرقرار می کند و بعد او را رها می کند «زلفعلی ذوالفقار» نام دارد که اشارات صریح به نام حضرت امیرالمؤمنین است.

۴. پری بیوفایی زلفعلی (کاکل زری) را ناشی از اعتقادات مذهبی اش می داند.

۵. کاکل زری برای ترک کردن پری عید غدیر را پنهان می کند.

۶. پیرمردی که با چهرهای منفی مجلس عیش پری و کاکل زری را به هم می ریزد نیز یک فرد مذهبی است.

۷. یکی از احکام فقهی اسلام مورد تمسخر قرار گرفته است: «اسم نهم زبور گنا/ صیغه شده به کدخدا»

۸. او حضرت یونس یکی از پیامبران الهی را مسخره می کند: «مثل جناب یونس/ بی کس و کار و مونس»

۹. در چند جای داستان با همسان قرار دادن مقدسات الهی و تشبیهات زشت به تحقیر این مقدسات می گوید و مثلاً قسم به خدا و قسم به یک قاطر را کنار هم و هم شان قرار می دهد: خدا خودش می دونه/ به مرگ این قاطرم»

۱۰. مطابق نظر نویسنده انسانهای مذهبی حتی به زن برادر خود نظر سوء دارند. کاکل زری برای منصور ساختن پری از ازدواج با خود می گوید: «داداش غلامی کاره/ قاچاقچی سیگاره/ میاندازدت به قلاب/ می خوردت مثل آب/... قورت می ده درسته/ مثل هلو با هسته.»

با مروری بر این ۱۰ مورد می بینیم که بسیاری از اینها استنباطهای شخصی یک فرد مفروض یا کج فهم بیش نیست مثلاً چگونه از مورد اول می توان نتیجه ضد دین بودن گرفت؟ درباره مورد دوم باید توجه داشت که در این داستان هیچ کلام از شخصیت های اصلی کاملاً منفی یا کاملاً مثبت نیستند. ضمن این که شخصیتها به مذهبی و غیرمذهبی هم تفکیک

نشانند. تنها اشاراتی از زبان شخصیتها امکان چنین تاولی هایی را می دهد. در این داستان زلفعلی (کاکل زری) را منتقد به عنوان شخصیت منفی مطرح کرده است در حالی که دریا مادر پری ضمن برشمردن تفاوت های پری و کاکل زری نگاه خوب و تن تمیز و صفای بی دریغ و قلب بی شیله پیله کاکل زری را چراغ راه پری می داند: می شه چراغ راحت/ تو تاریکی نگاهت.

درواقع نویسنده کتاب کوشیده تا جایی که ممکن است تفاوت این دو دنیا را نشان بدهد و تقسیم بندی شخصیتها به مثبت و منفی و غیر مذهبی و بهیچراغ رفتن است. درباره مورد سوم هم باید گفت که این اسم یک اسم ترکی است و نباید به حضرت امیر (ع) ربط داد، مگر برای استفاده ابزاری از نام آن بزرگ شکوهمند! ضمن اینکه از کلام رابطه جنسی سخن به میان آمده؟ کجای داستان به این نکته صراحت دارد؟ نام بسیاری از ما نام ائمه و اولیاست، اگر مرتکب خلافی شویم، اعلام آن توهین به ائمه و اولیاست؟

ادعای چهارم هم ظاهر مستند به همان بخش از شعر شده که قبلاً بیان کردیم و می گوید: زلفعلی مال خاکه... که نویسنده دارد تفاوتها را بازگو می کند و این عدم وصال را بر اثر این تفاوتها می داند ضمن این که در چند سطر قبل از آن چنین وصلی را محال می داند:

دریا گرفت ماچش کرد/ ناز و نوازشش کرد/ گفت ای پری جون من/ گنج سلیمون من/ تو مال موج و آبی/ رنگین کمون خوابی/ جنس تو از خیاله/ وصلت تو محاله/ تو از تبار نوری/ به آرزوی دوری/ زلفعلی مال خاکه/ درخت بید و تاکه...

درباره مورد پنجم هم بد نیست این بخش از شعر خواننده شود: کاکل زری بیچاره/ با قلب پاره پاره/ گفت ماهی قناتم/ گل گاوزبون نباتم/ پاشم برم که دیره/ فردا عید غدیره/ باید برم تو محوم/ حنا کنم دست و موم/ شنبه به دنبال کار/ به سر برم



به بازار/ وقت درو و شخمه/ کاشتن بذر و تخمه... البته دلیل اصلی چنین استنباطهایی ناآشنایی منتقد با ساختار افسانه های عامیانه است که پر از چنین نمونه هایی است.

و عامه نیز هیچ گاه از این موارد استنباطهای این چنین نکرده اند. این استنباطها در خوشبینانه ترین دریافت به قصد پربار کردن پرونده متهم [در اینجانب نویسنده ناشر و وزارت ارشاد] صورت می گیرد و گرنه چگونه ممکن است خبر صیغه شدن زنی گنا در این کتاب و در این بافت مسخره کردن احکام فقهی به حساب آیدو پیرمرد چهره منفی و مذهبی نام گذاری شود؟ یا این بخش از شعر از زبان کاکل زری که می گوید: من بچم منیم/ بخوای نخوای همینم/ دهاتی بی صاحب/ پام برسه توی آب/ مثل جناب یونس/ بی کس و کار و مونس/ امیرم تو خلق ماهی/ روزم می شه سیاهی... توهین آمیز تلقی کرد؟

به راستی کدام عقل سلیمی از: خدا خودش می دونه/ به مرگ این قاطرم/ یادت توی خاطر/ تازند نام می مونه/ هم شان قرار دادن قسم به خدا به قاطر را استنباط می کند؟ مگر در این بخش از شعر به خدا قسم یاد شده است؟

از همه جالبتر و خنده دارتر مورد آخر است که باز هم این خوردن با توجه به ذهنیات منتقد به آن خوردن و خوردن آنچنانی تبدیل شده است و از آن، نظر سوء انسانهای مذهبی به زن برادر خود تعبیر شده است. تازه اگر هم چنین تعبیری شده باشد، برادر کاکل زری با کدام دلیل و برهانی آدم مذهبی معرفی شده است. جل الخالق. این قسمت از شعر را بدون حذف ماهرانه منتقد می خوانیم:

[در این بخش کاکل زری برای منصرف کردن پری خطرات و سختی ها را برایش برمی شمارد: خونم قدیبه بیلناس/ ایه گوشه طویلناس/ تو پیرهن عروسی/ کنار من می یوسی/ داداش غلام بی کاره/ قاچاقچی سیگاره/ میاندازدت به قلاب/ می خوردت مثل آب/ سبزی یلو باماهی/ روغن کرمانشاهی/ قورت می ده درسته/ مثل هلو با هسته/

اولا منتقد محترم از کجا دریافت کرده که غلامی کاره مذهبی است و ثانیاً از کجا دریافته که او به زن برادرش نظر سوء دارد؟

اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- خانوم پری مثل بید
- یواش یواش می لرزید
- فکر شب و سیاهی
- مونده سر دوراهی
- نشسته بود ناامید
- که خشن پایی شنید
- یه دستی خورد به شونه اش
- تلنگری به گونه اش
- دید یه پسر راس راسی
- با تنبون کرباسی
- جفت پاهاش تو گیوه